

انقلاب ما	به هر کران	می زند سلام	به خفتگان
ای اسیر شب	سحر دمید	سحر دمید	
دور رنج و غم	به سر رسید	به سر رسید	
تا به کی	قرین خواب غفلتی	تا به کی	رهین بیداد و ذلتی
بشکن این	حصار تنگ بردگی	بشکن این	طلسم ضعف و بی همتی
دور ظلم و بردگی دگر		سر آمده	
مهر پُرفروغ داد و دین		برآمده	
منجی ستم کشان بود		قیام ما	
نغمه ی امید و آرزو		پیام ما	
ای خوش آن زمان	که این جهان	از صفا شود	چو گلستان
پند پیر ما	اثر دهد	اثر دهد	
نخل آرزو	ثمر دهد	ثمر دهد	
طی شود		زمان محنت و بلا	
طی شود		زمانه ی رنج و ابتلا	
بشکفد گل امید و آرزو		بشکفد شکوفه ی ایمان و وفا	
انقلاب ما جهان پر از		صفا کند	
نظم دیگری به هر کجا		به پا کند	
ریشه ی ستم از این جهان		برافکند	
بردگان خفته را زغم		رها کند	